**ابهامها و راههای برطرف کردن آنها**  

براي اينكه به ماهيت و هدف برخي از كارهاي حرفه ي حسابرسي پي ببريم، لازم  است به دو موضوع نسبتا ساده و در عين حال مرتبط با يكديگر توجه داشته باشيم:

1)    به نظر مي رسد يك سري پديده ها كه لزوما قابل مشاهده نيستند، باعث ايجاد شك، ترديد و ابهام در ذهن افراد مي شوند.

2)    هر فرد براي برطرف كردن يا كاهش ايجاد شك، ترديد و ابهامي كه در ذهنش ايجاد شده شروع به بررسي و ارزيابي صحت و سقم امور مربوط به آن پديده  مي كند.

هنگامي كه اين ارزيابي بر اساس چارچوبي متشكل از عقايد و كارهاي مرتبط با هم فرموله مي شوند، مي توان آن را به عنوان ساختار اصلي رسيدگي و حسابرسي، فرض كرد.

ابهام در مورد پدیده ها می تواند از طریق راههای زیر برطرف شود:

1)    با مشاهده ي مستقيم

2)    يا از طريق تحقيق و پرس و جو در مقطعي از زمان يا در طول دوره ي زماني، به شكل رسمي يا غير رسمي.

يك پديده كه در مورد آن  شك و ترديد و يا ابهام وجود دارد، مي تواند به يكي از صورتهاي زير باشد:

1)    اين چنين پديده اي مي تواند به شكل موضوع عيني باشد كه قابل مشاهده است و در كوتاه مدت تغيير اساسي در آن رخ نمي دهد.

2)    و يا ممكن است در رابطه با رويدادي باشد كه در گذشته روي داده، مشاهده  و ثبت شده است ولي در حال حاضر ديگر موجوديت ندارد.

همچنين ممكن است اين پديده مربوط به يك موضوع مشهودي باشد كه به سختي قابل مشاهده است و طي زمان خيلي سريع دچار تغييرات عمده مي شود.

تمام اين موارد مربوط به يك پديده از دنياي واقعي مي باشند كه مي بايست مشاهده شوند تا بتوان در مورد صحت و سقم آنها نظر داد

انجام اين ارزيابي بايد با توجه به سه مورد ذيل صورت گيرد:

1)    ماهيت يك پديده ي خاص

2)    تاثير زمان بر روي پديده ي مورد نظر

ميزان مدارك مويد و شواهد در دسترس براي انجام رسيدگي

**ارتباط بین شک, تردید و ابهام با رسیدگی**       

شك، ترديد،  ابهام و رسيدگي در يك شكل مثلث مانند از روابط انساني، بين طرفهاي درگير و پديده ي مورد نظر، قرار دارند. اولين ضلع اين ملث، بيانگر رابطه ي بين فرد(افرادي) كه در او(آنها) شك و ترديد ايجاد شده و شخص (اشخاصي) كه اين شك و ترديد را بوجود آورده است. بدين معنا كه فرد(افرادي) در رابطه با حالت، كيفيت و يا وضعيت پديده اي كه شخص(اشخاص) ديگري مسئوليت آن را بر عهده دارند، دچار ابهام شده است. راس سوم اين مثلث از روابط انساني، شخص(اشخاصي) است كه از سوي فرد(افراد) اول، انتخاب مي شود تا يك عقيده و يا نظر كارشناسانه و عيني درباره ي موضوع مورد شك، ترديد و ابهام، ارائه نمايد. اين اظهار نظر پس از ارزيابي لازم در خصوص پديده ي مورد شك و ترديد، ارائه مي شود.

فلسفه ي وجودي نياز به اظهار نظر شخص(اشخاص) سوم به خاطر تمايلي است كه شخص اول براي روشن شدن وضعيت مورد ترديد خود دارد. اين نظر كارشناسانه به او اين امكان را مي دهد كه يك تصميم منطقي و مطمئن اتخاذ نمايد.

در مواردي شخص سوم، اقدام به ارزيابي از پديده اي كه مورد شك و ترديد است، مي كند و شخص اول قبل از اينكه تصميمي بگيرد و يا به كاري اقدام كند، به اظهار نظر او توجه مي نمايد. بنابراين، ارزيابي فقط به قصد كاهش و يا برطرف كردن شك، ترديد و ابهام هاي موجود صورت نمي گيرد، بلكه هدف غايي آن ايجاد  شرايط مناسب براي اتخاذ يك تصميم منطقي در برخورد با ديگران و انجام يك اقدام درخور و بايسته است.

**چیستی و چرایی فلسفه حسابرسی**       

چيستي و چرايي و  وجود حسابرس به خاطر نياز به يك حرفه است كه بتواند شك، ترديد و ابهام هاي گروههاي ذينفع درباره ي كيفيت اطلاعات مالي كه به آنها گزارش شده است را كاهش داده يا برطرف سازد. اعتقاد بر اين است كه نايل شدن به اين هدف باعث ايجاد يك ثبات فكري در ذهن فرد استفاده كننده از اين اطلاعات مي شود

**رسیدگی و حسابرسی**                      

رسيدگي را مي توان نوع عام حسابرسي دانست كه به هدف ايجاد همبستگي بين:

1)    موضوع و يا موضوع هاي مورد شك، ترديد و ابهام

2)    و يك معيار قابل قبول كه به كمك آن بتوان در مورد اعتبار موضوع و يا موضوعهاي مورد نظر، قضاوت كرد، مي باشد.

2. هر چه درجه ي همبستگي يا توافق بين موضوع و يا موضوعها و معيار انتخاب شده بيشتر باشد، احتمال برطرف شدن و يا كاهش شك، ترديد و ابهام درباره ي موضوع و يا موضوعهاي مورد نظر، بيشتر مي شود و بالطبع ابهام دباره ي آن موضوع يا موضوعها كاهش مي يابد.

نياز بشر به برطرف كردن يا كاهش شك، ترديد و ابهام هايش، چيزي است كه به طور كلي ماهيت فرايند رسيدگي و بويژه كار حسابرسي را شكل ميدهد. اين نياز همچنين تعيين كننده ي نقشهاي اجتماعي، اقتصادي و رواني است كه انتظار ميرود فرايند ارزيابي يا حسابرسي را در اجتماع ايجاد كند.

ارزيابي فقط به قصد كاهش و يا برطرف كردن شك، ترديد و ابهام هاي موجود صورت نمي گيرد، بلكه هدف غايي آن ايجاد  شرايط مناسب براي اتخاذ يك تصميم منطقي در برخورد با ديگران و انجام يك اقدام درخور و بايسته است.

نقش اصلي رسيدگي در فعاليت بشري، كنترل و قانونمند كردن كارها است كه با تاكيد خاص بر ايجاد ثبات و آرامش در فرد انجام مي شود و منظور از ثبات و آرامش، كاهش شك، ترديد و ابهام هاي افراد نسبت به يك مساله و يا پديده است.

هر مثالي كه براي تشريح نياز بشر به رسيدگي مطرح مي شود، ويژگي هاي يك كار حسابرسي ديده مي شود. در همه ي آنها موضوعي وجود دارد كه وضعيت آن مشكوك و مبهم است. فرد يا افرادي وجود دارند كه مسئول ارزيابي و گزارش درباره ي اين وضعيت به افرادي هستند كه نسبت به آن شك و ترديد دارند.

اصطلاح حسابرسي معمولا براي فعاليتهايي بكار مي رود كه آشكارا ماهيت حسابرسي دارند، بدين معنا كه يك حسابرس مستقل را براي انجام كار، دعوت مي كنند.

« حسابرسي عبارت است از فرايند سيستماتيك جهت جمع آوري و ارزيابي بي طرفانه ي شواهد درباره ي ادعاهاي مربوط به فعاليتها و رويدادهاي اقتصادي، به منظور تعيين درجه ي انطباق اين ادعاها به معيارهاي از پيش تعيين شده و گزارش نتايج به افراد ذي نفع».

به عبارت ديگر، حسابرسي صورتهاي مالي را مي توان به عنوان هزينه ي اقتصادي ارائه ي رفتار وكيل (مديران) در مورد فعاليت محول شده  به وي تفسير كرد.

يك تفسير ديگر از حسابرسي به عنوان نماينده ي اقتصادي، اين است كه به رابطه ي وكيل– موكل و نمايندگي مدير به عنوان فردي كه بر اساس درستي و صداقت عمل مي كند، توجه كنيم. رواج اين درستي و صداقت و دادن آزادي عمل معقول به وكيل، هزينه هايي را به موكل تحميل مي كند كه ممكن است كمتر از استفاده از يك نماينده (نظير حسابرس) براي ارزيابي و ارائه ي عملكرد وكيل (مديريت) باشد. به عبارت ديگر، حسابرس نماينده اي است كه مسئول ارزيابي كارهاي نمايندگان ديگر، در جهت كاهش هزينه هاي موكل براي ترويج صداقت وكيل مي باشد.

**صورتهای مالی و رسیدگی**                          

ارزيابي صورتهاي مالي از دير باز وجود داشته است. اين كار تقريبا در هر كشوري كه داراي فعاليت اقتصادي بوده، صورت مي گرفته است.

ارزيابي صورتهاي مالي با ويژگيهاي اخير، سابقه ي تاريخي كوتاه تري دارد. براي مثال، حسابرسي صورتهاي مالي شركتهاي سهامي آمريكا و انگستان از اواسط سده ي 19 شروع شد.

« پيتون و ليتلتون» در تحقيقي كه براي انجمن حسابداران امريكا انجام دادند، قابليت رسيدگي شواهد عيني را به عنوان يكي از مفاهيم كليدي حسابداري مطرح كردند.

كميته ي انجمن حسابداران امريكا از قابليت تاييد به عنوان يكي از چهار استاندارد اصلي حسابداري حمايت كرد.

كميته ي تدوين استانداردهاي حسابداري انگلستان نيز معتقد است كه اگر اطلاعات مالي گزاش شده توسط يك شخصيت مستقل مورد رسيدگي قرار گيرند، اعتبارشان افزايش مي يابد.

هيات استانداردهاي حسابداري امريكا قابليت رسيدگي را به عنوان يكي از ويژگيهاي كيفي اطلاعات حسابداري بيان كرده و به عنوان يكي از مفاهيم تشكيل دهنده ي قابليت اعتماد بر مي شمارد كه بر سودمندي اطلاعات مالي كمك مي كند.

هدف از رسيدگي اطلاعات مالي، ايجاد اطمينان از اين موضوع است كه اندازه هاي حسابداري بيانگر همان چيزهايي هستند كه بايد گزارش شوند.

**قابليت تايد و مربوط بودن**             

در راهنماي استاندارد حسابرسي براي انجمن حسابداران رسمي انگلستان و آمده است:

« تعريف ارائه شده از قابليت اعتماد، نه تنها بيانگر آن است كه صوتهاي مالي بايد به طور صادقانه آنچه را كه بايد گزارش شود بيان كنند، بلكه استفاده كنندگان صورتهاي مالي نيز بايد تا حد معقولي مطمئن باشند كه اين كار انجام گرفته است».

« چمبرز» معتقد است كه براي اينكه اطلاعات مالي قابليت اعتماد داشته باشند (همبستگي كافي بين ارقام گزارش شده و پديده اي كه بايد گزارش شود وجود داشته باشد)، صورتهاي مالي بايد قابليت رسيدگي نيز داشته باشند تا از وجود اين همبستگي اطميناني معقول حاصل شود مربوط بودن: بدين معنا كه اطلاعات حسابداري بر مدل تصميم گيري استفاده كنندگان، تاثير مي گذارند.

بدين مفهوم كه ميزان صداقت در ارائه ي پديده هاي اقتصادي چگونه است؟

شك، ترديد و ابهام هايي كه در رابطه با اطلاعات مندرج در صورتهاي مالي منتشر شده وجود دارند مي توان به شرح زير عنوان كرد:

1)    اينكه، صورتهاي مالي حاوي اطلاعاتي است كه به نظر ميرسد داده هاي مناسبي براي مدلهاي تصميم گيري دريافت كنندگان آنها باشند.بنابراين، اطلاعات مذكور، توان تغيير در تصميم هاي اتخاذ شده بر اساس اين مدلها را دارند.

2)    صورتهاي مالي افزون بر اينكه حاوي اطلاعات مربوطي در رابطه با مدلهاي تصميم گيري مي باشند، به شكل صادقانه اي رويدادهاي اقتصادي، را نيز نشان مي دهند.

اطلاعات مندرج در صورتهاي مالي مطابق با استانداردهاي « پاسخگويي» با صداقت در ارائه و درست و بي طرفانه بودن اطلاعات در ارتباط مي باشند.

**هدف اصلی حسابرسی**             

به نظر ميرسد جمع آوري شواهد و گزارش ميزان تطابق موضوع (صورتهاي مالي ) با معيارها (استانداردهاي حسابداري) هدف اصلي حسابرسي است، چرا كه حسابرس به دنبال بر طرف ساختن شك و ترديدهايي است كه در رابطه با كيفيت اطلاعات حسابداري گزارش شده در ذهن افراد ايجاد مي شود.

با تعميم موضوع، مي توان به اطلاعات مندرج در صورتهاي مالي با ديد يك نماينده نگاه كرد و در وضعيتي كه وكيل(براي مثال هيات مديره ي يك شركت) از سوي موكلان (سهامداران) جهت اداره ي منابع و عمليات شركت و گزارش اطلاعات مربوط به آن، انتخاب مي شود، حسابرسي نقش بسزايي پيدا مي كند.

در عمل مي توان به حسابرسي به عنوان يك داور براي تعيين ميزان ثبات رويه ي بكار رفته در تهيه صورتهاي مالي توسط مديريت (وكيل) نگريست. به طور كلي اگر منافع اقتصادي حاصل از حسابرسي بيش هزينه هاي آن باشد، تقاضا براي آن وجود دارد.

تمركز اصلي كار حسابرسي بر بررسي ميزان مطابقت اطلاعات مندرج در صورتهاي مالي با ويژگي هاي كيفي و نيز برطرف كردن و يا كاهش شك، ترديد و ابهام هاي موجود در اين صورتها است.